

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۳ (ص ۱۲ - ۲۸)
دریافت: مهر ماه ۱۴۰۳ پذیرش: آذر ماه ۱۴۰۳

رابطه سببیت در حقوق ایران؛ رویکردها و نوآوری‌ها

Analytical study of conflicts and interactions of laws related to computer and audiovisual crimes in the Iranian legal system

حمزه عبداللهی پور / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.
علی مرادی / کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Hamze Abdollahipour/ Master's student in private law, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Ali Moradi/ Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Hamadan, Iran

Hamze4484@gmail.com

Abstract

In cases where several factors are involved in the occurrence of damage, the responsibility for compensation in the absence of a direct relationship and the failure to prove it with the damage will be imposed on the factor that has a relationship between the behavior of that factor and the resulting result, an intermediary behavior and indirectly. To be established by providing its introduction. This relationship, which connects the responsibility to the responsible person, is called the relationship of causality, and its components, reasons, and elements must be explained in order to verify it. Looking at extended interpretation as a type of judicial interpretation that in cases of silence of the law, according to which the signifier of a law is encroached from its own territory, along with the 16 articles of the civil liability law approved in 1339, in the laws approved in 2013 in the field of criminal law, the legislator A fundamental approach in identifying the relationship of causality has been shown in criminal law, which can be considered in the relationship of causality. The current research, which was carried out in a descriptive-analytical form and a library study, shows the need to pay attention to the concept of citation from a material

چکیده

در مواقعی که چندین عامل در بروز خسارت نقش دارند مسئولیت جبران خسارت در صورت عدم وجود رابطه مستقیم و عدم احراز اثبات آن با خسارت وراده، بر عاملی تحمیل خواهد شد که بین رفتار آن عامل با نتیجه حاصله، رفتاری با واسطه و به طور غیرمستقیم و با فراهم کردن مقدمات آن برقرار باشد. این ارتباط که ربط دهنده مسئولیت به شخص مسئول است رابطه سببیت نام دارد و برای احراز آن می بایست اجزاء، دلایل و عناصر آن تبیین شود. با نگاه به تفسیر موسع به عنوان نوعی از تفسیر قضائی که در موارد سکوت قانون، بموجب آن مدلول یک قانون از قلمرو خود تجاوز داده می شود در کنار ۱۶ ماده قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، در قوانین مصوب سال ۱۳۹۲ در حوزه حقوق جزا، مقنن رویکردی بنیادین در شناسایی رابطه علیت در حقوق جزا از خود نشان داده است که می تواند در رابطه سببیت مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر که به صورت توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است مبین ضرورت توجه به مفهوم استناد از منظر مادی است که به عنوان شاخصه و سنجش در احراز رابطه سببیت یا عوامل مؤثر در نتیجه مهم بوده و مفهوم تازه ای در توصیف جایگاه رابطه سببیت از یک سو و اثبات ضمان دایر بر مدار آن از سوی دیگر ارائه می نماید.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت، ضمان، رفتار، تأثیر رفتار، استناد مادی، رابطه سببیت.

point of view, which is important as an indicator and measure in determining the relationship of causality or effective factors in the result, and a new concept in describing the position of the relationship of causality from On the one hand, it provides proof of warranty on its circuit, on the other hand.

Keyword: responsibility, warranty, behavior, effect of behavior, material reference, causal relationship.

مقدمه

رابطه سببیت یکی از مشکل‌ترین مباحث حقوق است و احراز انتساب میان فعل زیانبار و زیان حاصله از آن در مقام عمل، با دشواری‌های فراوانی روبروست؛ زیرا اشکال صدور رفتار از اشخاص مختلف جنبه‌های متفاوتی دارد، گاه اختیاری است و گاه اضطراری و از سوی دیگر، گاه در نتیجه به بار آمده، افراد متعددی نقش دارند و باید سهم هریک را تعیین نمود و در پاره‌ای موارد معیار انتساب عرفی است و حال آنکه قضاوت‌های عرف مبتنی بر معانی دقیق نمی‌باشند. سبب را در لغت به رسن، علت و وسیله نیل به چیز دیگر و یا چیزی که ما را به هدف یا چیز دیگر وصل می‌کند تعبیر کرده‌اند (معین ۱۳۷۱، ۱۸۱۵).

شهید اول قائل به این تعریف است: «سبب عبارت از وصف ظاهر و قاعده‌مندی است که بر اساس دلیل شرعی معرف اثبات حکم شرعی باشد به‌گونه‌ای که از وجود آن وجود حکم و از فقدان آن عدم حکم لازم آید و بدون آن حکم ممتنع باشد و تنها در صورتی تخلف حکم از سبب ممکن باشد که مانعی در میان باشد و یا شرطی مفقود شود» (عبدالهادی حکیم، ص ۳۹)

تعیین رابطه سببیت اغلب با دو مشکل مواجه است: از یک طرف به ندرت اتفاق می‌افتد که حادثه یک سبب داشته باشد و معمولاً حادثه را عوامل متعددی ایجاد می‌کنند، با این وصف، آیا تمام این عوامل بایستی به عنوان علت‌های حادثه شمرده شوند و همه نیز پاسخگو و مسئول باشند؟ از سوی دیگر، اغلب اوقات یک حادثه به حادثه- دیگر منجر است و حادثه دیگر نیز منجر به حادثه سوم و همین‌طور ممکن است که حوادث به همدیگر متصل باشند، آیا حادثه اول سبب تمام حوادث بعدی است؟

در مسئولیت مدنی هدف غایی، جبران خسارت و رفع ضرر از زیان دیده است اما در حقوق ایران تقصیر مبنای اصلی این نوع مسئولیت می‌باشد. تقصیر براساس رکن معنوی به عمدی و غیرعمدی، تقسیم می‌شود که تقصیر عمدی می‌تواند اساس آثار و احکامی در عمل قرار گیرد که هیچکس نمی‌تواند آن را انکار کند. از مهمترین اثرات تقصیر عمدی، تاثیر بر رابطه سببیت می‌باشد. رابطه سببیت رکن اساسی و عنصر حیاتی مسئولیت مدنی است. یعنی باید بین ضرر وارده و تقصیر عرفا رابطه‌ای وجود داشته باشد. به نحوی که اگر آن تقصیر (فعل و ترک فعل) نیم بود قطعاً ضرری حاصل نمی‌شد.

از سوی دیگر در حقوق کیفری، سببیت که با عنوان علیت نیز عنوان می‌شود (فرمانفرمایان ۱۳۳۵، ۴۹)، یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری در کنار دیگر شروط موردنیاز است چراکه در جرائم مقید، صرف ارتکاب رفتار، کافی به مقصود نیست، بلکه نتیجه خاص ناشی از آن نیز لازم و ضروری است، احراز رابطه میان رفتار و نتیجه الزامی است. اگرچه احراز رابطه سببیت ملازمه‌ای با مسئولیت کیفری ندارد و در هر حال در صورت اثبات رابطه میان فعل زیان بار و خسارت وارده، باید خسارت زیان دیده پرداخت شود و دیگر توجهی به سایر شرایط از جمله عقل و بلوغ و اختیار نخواهد شد.

ضرورت احراز رابطه استناد هم در حقوق مدنی و هم کیفری، بر الزام قانونی مبتنی است. به موجب ماده‌ی ۱۰ ق.م.م. کسبیکه به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد؛ هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

دور بودن زمان میان رفتار ارتكابی و زیان وارده یا دیگر آسیب‌ها، مؤثر در مقام نبوده و در هر حال رابطه باید احراز شود. در حقوق مسئولیت مدنی هم در لزوم احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و زیان وارده به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی تردیدی

وجود ندارد (کاتوزیان ۱۳۸۹، ۴۳۴؛ صفایی و رحیمی ۱۳۹۳، ۱۹۴)، به‌ویژه آن‌که از مواد ۳۳۳ و ۳۳۵ ق.م. ماده ۱ ق.م.م؛ مواد ۵۱۹ و ۵۲۰ ق.آ.د.م. ضرورت وجود این رابطه به خوبی استنباط می‌شود.

باتوجه به مطالب فوق، در مسئولیت مدنی، رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه حاصله برای ضمان لازم است. من باب مثال در باب جنایات (قتل یا جرح) که هم موجب دیه است، محل تلاقی مسئولیت مدنی و کیفری است، چراکه دیه در دکتترین حقوقی از آنجا که هم خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند و هم به مجازات فاعل آن می‌پردازد، ماهیت دوگانه دارد (کاتوزیان ۱۳۷۷، ۳۰۱-۳۱۶؛ صفایی و رحیمی ۱۳۹۳، ۱۴۲؛ کاتوزیان ۱۳۸۷، ۴۴) و برخی نیز معتقدند دیه تنها ماهیت مدنی دارد و هدف آن جبران خسارت زیان‌دیده است (بادینی ۱۳۸۴، ۳۳۵-۳۳۷). با تکیه بر هریک از دو دیدگاه فوق، مفهوم و معیار تشخیص رابطه سببیت در جنایات، در مسئولیت مدنی نسبت به خسارات مالی نیز قابل اجراست، زیرا جنایت (باتوجه به ماهیت دوگانه دیه یا ماهیت مسئولیت مدنی آن) به‌عنوان یکی از اعمال زیان‌باری که سبب خسارت بدنی می‌شود، یکی از شعبه‌های مهم مسئولیت مدنی در کنار خسارت مالی محسوب می‌شود؛ بنابراین، احکام آن در خصوص رابطه سببیت در خسارات وارد بر اموال نیز اصولاً اجرا می‌شود. (آقای‌نیا ۱۳۹۳، ۷۸).

باتوجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی معیارهای احراز رابطه سببیت دستخوش تغییر قرار گرفته، پژوهش‌های انجام شده تا حد زیادی اعتبار خود را از دست داده‌اند. پس از تصویب قانون مزبور نیز مقاله‌های محدودی برای حل مشکل سببیت نگارش شده است، اما برخی از آن‌ها تنها به احراز رابطه سببیت در فرض خاصی پرداخته‌اند (مانند اجتماع سبب و مباشر) یا آنکه برخی از کارهای موجود تنها از دید فقهی یا مطابق حقوق خارجی نگارش یافته‌اند و دیدگاه قانون مجازات اسلامی به‌عنوان قانون حاکم بر روابط حقوقی و منبع و مستند اصلی قضاات برای صدور حکم، به فراموشی گراییده است. افزون بر این، استخراج معیار تحقق رابطه سببیت در مسئولیت مدنی از قانون مجازات امری ضروری است که در نوشتار حاضر بدان همت گماشته شده است.

بدین‌سان، پرداختن به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و احراز رابطه سببیت از مواد پراکنده و متعدد آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. قانون یادشده به‌جای اتخاذ یک معیار واحد در این زمینه، بیشتر فرمول‌هایی را با ذکر نمونه‌هایی خاص برای رابطه سببیت مطرح کرده است. مثال‌های مطروحه به‌رغم شباهت فراوانی که باهم دارند، اما هر کدام تابع راهکارهای جداگانه و مغایر با یکدیگر هستند. پراکندگی و فقدان یکدستی و یکنواختی ماده‌های مربوط به سببیت و تعدد اسباب و عوامل، چالش اصلی قانون مجازات اسلامی در خصوص موضوع رابطه سببیت است.

مفهوم سبب

از نظر لغوی سبب در اصل لغتی عربی است و جمع آن اسباب می‌باشد؛ در فرهنگ‌های لغت عربی واژگان الطریق، الحبل و الموده و عالقہ القرابه درمقابل آن آورده شده است (معلوف ۱۳۸۰، ۳۱۸). واژه معادل سبب در زبان انگلیسی CAUS می‌باشد. در زبان فارسی سبب را به معنای رسن و هرچه بدان دیگری پیوسته شود و نیز علت و جهت و باعث، معنا کرده‌اند (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۳۳۸۸) سبب ابتدا به ریسمانی گفته می‌شد که توسط آن انسان‌ها به آب دست می‌یافتند و به میزان اهمیتی که آب در زندگی انسان داشت، سبب (ریسمان) نیز از اهمیت ویژه برخوردار بود. این اهمیت موجب گردید که به هر نوع وسیله‌ای که در حصول مقصود مؤثر بود سبب اطلاق گردد. سبب به این معنی در حقیقت در مورد مقدماتی به کار می‌رود که از وجود آن‌ها، انتظار وجود مطلوب می‌رود و به نحوی در تحقق مقصود مؤثر می‌باشند (زنجانی ۱۳۸۲، ۷۶) در اصطلاح حقوقی، سبب در معانی مختلفی به کار می‌رود. یکی از کاربردهای سبب در مبحث ارث است. در این زمینه، سبب در معنای خاص، در مقابل نسب به کار می‌رود و به معنای نوعی خویشاوندی است که در اثر عقد نکاح دائم بین زن و مرد به وجود می‌آید. نکاح دائم و والء مصادیق سبب در معنای عام در بحث ارث هستند (شهیدی بی‌تا، ۱۷ و صفایی و امامی ۱۳۷۶، ۷).

تعریف دیگری از سبب در مبحث ارث ارائه شده به گونه‌ای که هر دو مفهوم خاص و عام آن را در برمی‌گیرد. تعریف مزبور چنین است: سبب عبارت است از ارتباط شخص با دیگری از جهت زوجیت شرعی یا آزاد کردن بنده و یا ضامن جریره شدن و یا امام بودن و مانند این‌ها (لنگرودی ۱۳۷۰، ۲۶۶) کاربرد دیگر سبب در بحث مسئولیت حقوقی است که در این زمینه، رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان تحقق مسئولیت مطرح می‌شود که در مباحث بعد به توضیح بیشتر این نقش سبب می‌پردازیم. همچنین در قاعده تسبیب کاربرد دیگری از سبب را می‌بینیم. یعنی در جایی که شخصی باعث ورود ضرر به دیگری می‌شود بدون اینکه دخالت مستقیمی

در ورود زیان داشته باشد. بلکه از طریق فراهم کردن زمینه و مقدمات باعث اضرار به غیر می‌شود. که در این حالت او را مسبب ورود زیان می‌نامند و در مقابل مباشر به کار می‌رود که زیان معلول مستقیم و بی‌واسطه عمل اوست.

تعریف فرض سببیت

بعد از بیان مواردی که وجود رابطه سببیت و اثبات آن از سوی زیان‌دیده شرط تحقق مسئولیت است و نیز موارد عکس آن، که نیاز به وجود رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت نیست و به تبع موضوع اثبات آن نیز پیش نمی‌آید؛ به بیان نظری می‌پردازیم که کمتر بدان پرداخته شده و در واقع حالت بین این دو را دارد. یعنی علی‌رغم اینکه رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت لازم است ولی بار اثبات آن برخلاف موارد معمول و با شرایطی برعهده زیان‌دیده نیست. بلکه همان‌گونه که در برخی موارد علی‌رغم ضرورت تقصیر برای تحقق مسئولیت، قانونگذار بار اثبات آن را از دوش مدعی برداشته و تقصیر خواننده را فرض گرفته و اثبات خلاف آن را برعهده خواننده قرار داده است؛ مواردی را نیز می‌توان یافت که در آن‌ها علی‌رغم ضرورت وجود رابطه سببیت بین فعل خواننده و زیان بار اثبات آن برعهده مدعی نیست. بلکه قانونگذار رابطه مذکور را فرض گرفته و بدین ترتیب آمارهای علیه خواننده به وجود آورده است و خواننده در صورتی می‌تواند از بار مسئولیت خلاص شود که به نحوی عدم انتساب زیان به فعل خود را ثابت کند. مواردی این چنینی فرض سببیت خواننده می‌شوند. به بیان دیگر همان‌طور که گاه ماهیت حادثه به گونه‌ای است که غالباً بدون این که واردکننده زیان تقصیری مرتکب شده باشد روی نمی‌دهد که در این صورت تقصیر فرض می‌شود. گاهی همین تدبیر در خصوص رابطه سببیت نیز اعمال می‌شود و زیان‌دیده می‌تواند با استناد به نظریه فرض رابطه سببیت بار اثبات را از دوش خود بردارد (بادینی ۱۳۸۴، ۲۱۲).

اثبات رابطه سببیت

بعد از بیان اهمیت نقش رابطه سببیت و ضرورت احراز آن به موضوع اثبات رابطه سببیت می‌پردازیم. می‌دانیم که بار اثبات وجود امری بر عهده مدعی آن می‌باشد. در دعاوی مسئولیت مدنی نیز مدعی همان‌گونه که باید ورود ضرر به خود و فعل زیان‌بار خواننده را ثابت کند؛ اثبات وجود رابطه سببیت بین این دو رکن نیز علی‌الاصول با خود اوست. بدون اثبات رابطه سببیت بین فعل خواننده و ورود ضرر به زیان‌دیده، نمی‌توان مسئولیتی برای خواننده در خصوص جبران زیان وارده به خواهان قائل شد. رابطه سببیت از هر راهی قابل اثبات است و قاضی می‌تواند صرفاً به کمک نشانه‌ها و آماره‌های واقعه تصمیم‌گیری کند. اما در مرحله اثبات شرط حتمیت رابطه سببیت، سخت‌گیری کمتری اعمال می‌شود. زیرا اگر احتمال کافی برای سببیت وجود داشته باشد، قضات اغلب به همین احتمال اکتفا می‌کنند. بنابراین شرط حتمیت رابطه سببیت به یک امر نسبی تبدیل می‌شود. اما نباید تصور شود که شرط حتمیت دیگر لازم نیست. زیرا تصمیم قضات صرفاً بر نشانه‌های حتمیت دخالت سببی استوار است (ژوردن ۱۳۸۲، ۸۱).

مبنای فرض سببیت

نیک می‌دانیم که وقتی صحبت از مبنای چیزی می‌شود در واقع به دنبال پاسخ‌گویی به چرایی وجود آن امر هستیم؛ مثلاً وقتی در بحث مسئولیت مدنی گفته می‌شود تئوری‌هایی نظیر تقصیر یا خطر و... مبنای مسئولیت مدنی هستند این بدان معناست که در هر یک از این تئوری‌ها دلیل خاصی را برای مسئول شناختن شخص به جبران خسارت دیگری می‌آورند. مثلاً تئوری تقصیر این علت را در تقصیر شخص و تئوری خطر در محیط خطرناکی که او برای دیگران به وجود آورده جستجو می‌کنند و به این علت شخص را مسئول می‌دانند. از طرفی تا زمانی که مبنای موضوعی به خوبی روشن نشود نمی‌توان به درک درستی از آن دست یافت. به همین دلیل در مورد موضوع این پژوهش نیز یکی از مهم‌ترین مباحثی که جای طرح دارد بحث مبنای فرض سببیت است. در واقع می‌خواهیم بدانیم علت عدول قانونگذار از قاعده کلی ضرورت وجود و اثبات رابطه سببیت چیست؟ و بر چه اساسی خواهان را در برخی موارد از اثبات وجود رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده معاف دانسته است؟

یکی از مواردی که می‌توان به عنوان مبنای فرض سببیت مطرح کرد، اراده ضمنی قانونگذار می‌باشد. بدین معنا که وقتی قانونگذار در موردی فرض تقصیری را مقرر می‌دارد و به دنبال آن شخص را مسئول جبران زیان می‌داند در واقع به طور ضمنی او را سبب زیان هم دانسته و فرض کرده که تقصیر این شخص باعث ورود آن زیان شده است. چرا که می‌دانیم صرف ارتکاب تقصیر از سوی

شخص به تنهایی موجب ایجاد مسئولیت برای او نیست بلکه تقصیر زمانی می‌تواند از نظر مدنی مسئولیت‌زا باشد که سبب ورود زیان به دیگری شده باشد. پس، وقتی قانونگذار شخصی را در ورود زیان به دیگری مقصر فرض می‌کند به طور ضمنی او را مسبب ورود آن زیان هم دانسته است.

قانونگذار صراحتاً در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۰۷/۰۲/۱۳۳۹ اذعان می‌دارد: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی بجان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا بهر حق دیگری که بموجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

اثر فرض سببیت

اثر وجود فرض سببیت مانند دیگر فروض قانونی نظیر فرض تقصیر، جابجایی بار اثبات ارکان دعواست. همان‌طور که فرض تقصیر، اثبات ارتکاب تقصیر خوانده را از دوش خواهان برمی‌دارد و در واقع این خوانده است که باید عدم ارتکاب تعدی و تفریط خود را ثابت نماید؛ در خصوص فرض سببیت نیز چنین است و برخلاف حالت معمول، نیازی به اثبات وجود رابطه سببیت نیست. چرا که قانونگذار آن را موجود و مفروض می‌داند و اتفاقاً بار اثبات عدم وجود رابطه سببیت بر عهده خوانده قرار می‌گیرد که از طریق اثبات وجود قوه قاهره یا انتساب ایراد زیان به شخص دیگر، عدم وجود رابطه سببیت بین فعل خویش و ایراد زیان را ثابت کند. با این توضیحات درمی‌یابیم که امکان اثبات خلاف فرض سببیت نیز مانند فرض تقصیر، برای خوانده دعوی وجود دارد.

بررسی تطبیقی رابطه سببیت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با قانون سابق در مواد مرتبط با موجبات

ضمان

ماده- ۲۹۵ هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این است که مادر یا دایه‌ای که شیردادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

این ماده که درخصوص عنصر مادی جنایت از نوع ترک فعل است. در قانون سابق صراحتاً پیش‌بینی نشده بود، البته قانونی تحت عنوان «قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی» مصوب سال ۱۳۵۴ به صورت ماده واحده به تصویب رسیده بود که در این قسمت به تغییرات این ماده از قانون جدید با ماده واحده مزبور می‌پردازیم. لازم به ذکر است عده‌ای از اساتید حقوق عقیده دارند که این ماده واحده برای تعیین تکلیف اشخاصی غیر از کسانی که در وقوع خطر نقش داشته‌اند تصویب شده است. تفاوت‌هایی که بین ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین - و این ماده از قانون جدید وجود دارد، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

اولاً مجازات‌هایی که در قانون مجازات خودداری از مصدومین پیش‌بینی شده است، به صورت حبس جنحه‌ای است، درحالی که این ماده از قانون جدید مجازات جنایت عمد، شبه عمد و خطای محض را برای تارک فعل در نظر گرفته است. ثانیاً قانون مجازات خودداری از مصدومین در خصوص هر شخصی یا اشخاصی (آقانی، ۳۸۱). البته بعید نیست که بتوان از مفهوم و سیاق ماده قانون مزبور، تحقق نتیجه را هم لازم و آن را جرمی مفید محسوب کرد که فرد را در معرض خطر جانی می‌بیند و نیز کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به این کار هستند، شمول دارد. درحالی که این ماده از قانون جدید صرفاً درخصوص کسی که فعلی را انجام آن را برعهده گرفته یا قانون وظیفه‌ی خاصی را بر عهده‌ی او گذاشته می‌باشد نه سایر افراد.

ثالثاً جرمی که در رابطه با قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و ... به وقوع می‌پیوندد در ظاهر نیست درحالی که جرم براساس این ماده از قانون جرمی مطلق است و نیازی به تحقق نتیجه‌ی خاصی جدید وقتی محقق می‌شود که به موجب آن ترک فعل، جنایتی واقع شود. به عنوان مثال اینکه بند ۲ ماده واحده قانون یاد شده عنوان می‌دارد: «هرگاه کسانی که حسب یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، کمک نماید از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند محکوم خواهند شد». چنین به نظر می‌رسد که برای شمول این ماده وقوع آسیب جانی لازم نیست، اگرچه عملاً این امر ممکن

به نظر نرسد، لیکن به عنوان مثال اگر فرد پس از وقوع آسیب جانی الزم نیست، اگرچه عمالاً این امر ممکن به نظر نرسد، لیکن به عنوان مثال اگر فرد پس از وقوع خطر، شخصاً یا توسط شخص ثالثی از وقوع خطر جانی نجات یابد، در این صورت نیز می‌توان تارک فعل را محکوم نمود، چرا که وظیفه‌ی او کمک به فرد در معرض خطر بوده که از این وظیفه سرباز زده است و وقوع آسیب یا ضرر جانی بر فرد در معرض محکومیت وی به موجب ترک این وظیفه است، نه با بیان اهمیت تغییرات به نظر می‌رسد که تصویب قانون مجازات اسلامی جدید نمی‌تواند مفاد ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و ... را از بین ببرد. در انتهای توضیحات این ماده لازم به شرایط تحمیل مسئولیت بر تارک فعلیت را در قانون ایران (با تلفیق این ماده از قانون جدید) مختصراً بیان کنیم:

الف) وجود رابطه و وظیفه قانونی (یا قراردادی) و نه صرفاً اخلاقی:

طبق ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی اگرچه مادر مجبور نیست به طفل خود شیر بدهد، لیکن در صورتی که تغذیه‌ی طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد (یا بر اساس این ماده شیر دادن را به عهده گیرد) چنین وظیفه‌ای خواهد یافت.

ب) شرط دوم برای انتخاب نتیجه، یعنی مرگ یا صدمه جسمانی، به تارک فعل وجود رابطه سببیت است (در این ماده عنوان شده هرگاه کسی فعلی را ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود جنایت حاصل به او مستند می‌شود) بنابراین در صورت وجود یک عامل مستقل دیگر که مرگ یا صدمه‌ی جسمانی قابل انتساب به آن نباشد، تارک فعل را نمی‌توان مسئول نتیجه‌ی حاصله دانست. همین مقدار بیان تغییرات بین ماده واحده قانون یادشده و این ماده جدید لازم و کافی به نظر می‌رسد (صادقی، ۵۲).

ج) شرط سوم برای مسئول شناخته شدن تارک فعل در قبال مرگ یا صدمه‌ی جسمانی حاصله از ترک فعل، توانایی او برای انجام داد اقدام مورد نیاز باشد (به طوری که خود ماده عنوان می‌داد، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد).

د) بالاخره شرط چهارم در مورد مسئول شناخته شدن تارک فعل، وجود عنصر روانی لازم در وی است «اینکه در این ماده عنوان شده «حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض».

ماده-۴۹۲ جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیت یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.

ماده-۴۹۳ وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال بیماری کشنده، که حسب مورد قصاص یا دیه است. حکم این ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است.

ماده-۴۹۴ مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

ماده ۴۹۵- هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره-۱ در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد.

تبصره-۲ ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در مورد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید.

ماده-۴۹۶ پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱- در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و باوجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره-۲ در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می‌شود.

ماده -۴۹۷ در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

ماده -۴۹۲ بیانگر لزوم رابطه سببیت بین فعل و نتیجه برای ثبوت مجازات است.

تقسیم‌بندی‌هایی که در خصوص عنصر مادی وجود دارد انواع مختلفی دارد که یکی از این تقسیم‌بندی‌ها مربوط به مباشرت و تسبیب است.

مباشرت همان طور که در متن ماده ۴۹۴ آمده است آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود. این تعریف در ماده ۳۱۷ قانون سابق به شکل پیش آمده با این تفاوت که در قانون سابق به جای عبارت «مرتکب» مذکور در ماده ۴۹۴ از عبارت «جانی» استفاده شده بود.

در ماده ۴۹۵ اصل بر مسئولیت پزشک می‌باشد مگر اینکه، عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باش یا این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود. درحالی که قانون سابق صرفاً به عدم امکان اخذ رضایت و براءت از مریض تصریح کرده بود ولی تکلیف موردی را که اخذ این رضایت به دلایلی نامعتبر بوده معین نشده بود. در این قانون نقص مزبور برطرف شده است.

در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند براءت اخذ نکرده باشد که در این خصوص بار اثبات عدم تقصیر بر عهده پزشک خواهد بود.

در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه نسبت به اعطاء براءت به طیب اقدام می‌نماید.

در این صورت خصوص تکلیف موردی کما امکان اخذ این براءت به دلیل فوری بودن موضوع ممکن نباشد، بر اساس ماده ۴۹۷ عمل می‌شود.

در قانون ۱۳۷۰ از عنوان ((رضایت)) نیز در کنار عنوان ((براءت)) استفاده شده بود که در این قانون به چشم نمی‌خورد.

درخصوص ماده ۴۹۶ پزشک در صورت تقصیر خود مریض یا پرستار در تبعیت از دستورات پزشکی مسئولیتی نخواهد داشت.

در موارد ضروری که که تحصیل براءت ممکن نباشد، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست مشروط بر اینکه، پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات، اقدام به معالجه نماید و همچنین مرتکب تقصیر نشود. ماده- ۴۹۸ هرگاه شئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است.

ماده- ۴۹۹ هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسوول است.

ماده- ۵۰۰ در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضامن منتفی است.

ماده- ۵۰۱ هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

ماده- ۵۰۲ هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود براساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.

ماده- ۵۰۳ هرگاه کسی دیگری را به روی شخصی ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبه عمدی است.

ماده- ۵۰۴ هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات درحال حرکت است درحالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضامن منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.

تبصره- ۱ در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تاثیری در حادثه نداشته باشد به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

تبصره- ۲ حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزار آلات دیگر نیز جاری است.

ماده- ۵۰۵ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.

در خصوص ماده ۴۹۸ نقش انسان و دلیل مسئولیت وی این است که عمل وی در حکم مباشرت محسوب می‌شود اگرچه اشاره‌ای به آن نشده است. مثال‌های دیگری که برای «در حکم مباشرت» می‌توان عنوان کرد، ارتکاب جرم از طریق صغیر غیر ممیز یا مجنون و نیز حیوان است.

ماده- ۴۹۸ در ترادف با ماده ۳۲۴ قانون سابق وضع گردیده است.

در خصوص ماده ۵۰۰ توجه به این نکته ضروری است که به طور کلی پرداخت دیه منتفی بوده و از بیت‌المال نیز پرداخت نمی‌شود. ماده ۵۰۲ ایراد نقص موجود در ماده ۳۴۷ قانون سابق را برطرف نموده است. در ذیل آخر ماده قانونی سابق بیان شده بود «اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی‌اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله‌اش» در حالی که عبارت «نه» قبل از عبارت «خودش» افتاده بود.

ماده ۵۰۱ در مسیر ماده ۳۲۵ قانون سابق وضع گردیده با این تفاوت که قانون سابق با ذکر بی‌مورد مصادیق جنایات عمدی و شبه عمدی به حشو پرداخته بود ولی در این قانون عمدی یا شبه عمدی بودن جنایات به مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ ارجاع داده شده است. ماده ۵۰۲ نیز به نوعی در اصطلاح ذیل آخر ماده ۳۲۷ قانون سابق وضع گردیده است. ماده ۵۰۳ که در مقایسه با ماده ۳۲۹ قانون سابق وضع گردیده است همانند ماده ۴۹۵ انواع جنایات را بجای ذکر در خود ماده به تعریف مذکور در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ ارجاع داده است.

ماده ۵۰۴ در تکمیل ماده ۳۳۳ قانون سابق ایجاد شده است. در حالی که تکلیف مواردی در قانون سابق معین نبود در قانون جدید به صورت زیر معین گردیده است:

هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد، به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت فاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

رای وحدت رویه ۱۳۶۲/۷/۶-۱۳ عنوان می‌دارد: چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچ‌گونه خالفی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد راننده مسوول نبوده و بالتیجه رای شعبه ۲۱ دادگاه کیفری ۲ مشهد به اتفاق آرا تایید می‌شود. طبق نظریه ۴۷۸/۷ - ۲۴/۲/۱۳۶۳ اداره حقوقی، مسئولیت راننده متهم به قتل غیر عمدی متفرع به تحقق خطا و تقصیر او است.

ماده ۴۹۹ مسئولیت شخص حقوقی را نیز در وقوع حوادث رانندگی (اعم از اداره راه، پلیس راه و ...) پیش‌بینی کرده است.

ماده -۵۰۶ تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده-۵۰۷ هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.

ماده -۵۰۸ هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره-۱ هرگاه شخصی آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره-۲ هرگاه کسی که در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشدار دهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به عالم یا با شکستن درب وارد شود.

ماده-۵۰۹ هرگاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت ابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.

ماده-۵۱۰ هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات و نکان ایمنی، ضامن نیست.

ماده-۵۱۱ کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف نمی‌کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آن برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخورد کننده ضامن است.

ماده-۵۱۲ هرگاه شخصی در محله‌ای که توقف در آن‌ها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن‌ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می‌باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌شود.

ماده-۵۱۳ هرگاه شخصی را که شبانه و به‌طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حیله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برباید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

تبصره- هرگاه پس از دریافت دیه مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مترد می‌گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می‌شود.

ماده ۵۰۶ در خصوص تعریف تسبیب از ماده ۳۱۸ قانون سابق تبعیت کرده است لیکن نمی‌توان از تغییرات نگارشی چشم‌پوشی کرد. قتل ناشی از عدم رعایت مقررات دولتی در کارگاه موجب تعلق دیه به مسبب است. در این موارد که از باب تسبیب است نه جنایت، عنوان عمد و شبه عمد و خطای محض و تعلق دیه به عاقله جاری نیست.

باتوجه به تعریفی که مقنن از تسبیب در جنایت در ماده ۳۱۸ ق.م.ا (ماده ۵۰۶ قانون جدید) نموده، معاونت در قتل عمدی به صورت تحریک یا ترغیب یا تطمیع به ارتکاب جرم و امثال آن‌ها، تسبیب در جنایت محسوب نمی‌شود، بنابراین موضوعات فوق از شمول ماده ۸۸۰ قانون مدنی راجع به موانع ارث خروج موضوعی دارد و به هر صورت تشخیص این موضوع با قاضی مربوطه است که باتوجه به محتویات پرونده و قرائن و امارات مفهوم تبصره ۲ ماده ۵۰۸ نیز در ماده ۳۴ سابق ماده ۵۰۷ این قانون در ماده ۳۳۹ قانون سابق وجود داشت. با این تفاوت که ماده ۳۳۹ قانون قبلی در دو ماده تقسیم شده است.

ماده ۵۰۹ نیز در مقام تأیید ماده ۳۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می‌باشد. با این تفاوت که در قانون جدید عدم ضمان منوط به تحقق شرایطی مثل رعایت مقررات ایمنی و ... دانسته است.

ماده-۳۱۸ تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

نظریه ۷/۱۴-۱۳۷۰/۷/۲۳۰۷-۷/۲۳۰۷ اداره حقوقی قوه قضائیه ۲

نظریه ۷/۱۵-۱۳۸۰/۱۰/۹۴۴۰-۷/۹۴۴۰ اداره حقوقی قوه قضائیه ۳

ر.ک: ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰.

عوامل رافع مسئولیت کیفری که در حقوق جزای عمومی بحث شده است در این خصوص مد نظر نیست.

لیکن در این ماده ذکر عبارت «در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی» بیانگر این است هدف و نیت فرد ارتکاب جرم نبوده باشد.

ماده ۵۱۱ در مقابل ماده ۳۳۰ قانون سابق ایجاد شده است. با این تفاوت که در ماده ۵۱۱ عبارات «هر شیء مجاز دیگری» و «یا فوت کند» به ماده اضافه شده و همچنین در قانون جدید چنانچه خسارتی بر متوقف مذکور در ماده ۵۱۱ یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است. ماده ۵۱۲ نیز دقیقاً بیانگر ماده ۳۳۱ قانون سابق است و تنها تفاوتی که در قانون جدید به چشم می‌خورد مربوط به رفع ابهام و تشریح بهتر ماده قانونی قبلی می‌باشد. لازم به ذکر است که مفاد ماده ۳۴۶ قانون سابق با ماده ۵۱۲ قانون

جدید تلفیق شده است. ماده ۵۱۳ نیز که در مقابل ماده ۳۳۸ قانون سابق تصویب شده است با ذکر عبارت «به‌طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده» ابهامی به وجود آورده است که منظور از این عبارت چیست و اگر چنین نباشد تکلیف چه خواهد بود. در ماده ۵۱۳ اولاً مقصود از عبارت «به‌طور مشکوک» معلوم نیست ثانیاً زمان دعوت باید شب هنگام باشد ثالثاً «محل اقامت» جایگزین «منزل» مذکور در ماده ۳۳۸ شده و معلوم می‌شود که منزل موضوعیت ندارد. هرگاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد خواهد شد و چنانچه ثابت شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می‌شود. در این صورت قصاص با استرداد دیه پرداخت شده انجام می‌شود.

ماده-۵۱۴ هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسی گردد، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آن‌ها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره-۱ هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییر دهنده وضعیت به حالت مناسب‌تر نیز ضامن نیست. تبصره-۲ افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند.

ماده-۵۱۵ هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زبان‌های وارده نیست. ماده-۵۱۶ هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن منتفی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه به خسارت باشد.

ماده-۵۱۷ اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست. تبصره- اگر عمل غیر مجاز به گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذی‌ربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است. ماده-۵۱۸ هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیش‌بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می‌کند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست. ماده-۵۱۹ هرگاه دیوار یا بنایی که برپایه استوار و غیرمتماثل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است.

تبصره- هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به ضمیمه یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسئول آن ضامن است.

ماده-۵۲۰ هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید، عهده‌دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

ماده-۵۲۱ هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

ماده-۵۲۲ متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مذکور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

تبصره-۱ نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب نمی‌شود.

تبصره-۲ نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است.

ماده-۵۲۳ هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره- در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه وارد شونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضامن منتفی است.

ماده-۵۲۴ هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل‌های غیرمجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارت‌هایی که آن حیوان وارد می‌کند و مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهار کننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده-۵۲۵ هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت‌هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت‌هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

ماده-۵۲۶ هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.

ماده-۵۲۷ هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تاثیر آن‌ها در برخورد مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازند.

ماده-۵۲۸ هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

ماده-۵۲۹ در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظب است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

ماده-۵۳۰ هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضامن منتفی است.

ماده-۵۳۱ در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به اوست، ضامن ثابت است.

ماده-۵۳۲ در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آن‌ها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می‌شود.

ماده-۵۳۳ هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند.

ماده-۵۳۴ هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.

ماده-۵۳۵ هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری

سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

ماده-۵۳۶ هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و باتوجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

ماده-۵۳۷ در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضامن ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

طبق نظریه ۰۷/۷۱۷-۱۳۷۴/۱۱/۱۹- اداره حقوقی نظر به ماده ۳۵۷ قانون مجازات اسلامی (سابق) اگر صاحب حیوان از حال حیوان که خطر حمله‌ور شدن و زیاد رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری آن کوتاهی نکن عهده‌دار خسارتی نیست، لذا چون شخص مجنون که فاقد مسئولیت اعمال خود می‌باشد به لحاظ زوال عقل و شعور در حکم کسی است که آگاهی و توانایی و حفظ و نگهداری حیوان را نداشته است مسئول پرداخت خسارت وارده نخواهد بود توضیح اضافه می‌کند، که مقررات ماده ۳۵۷ فقط ناظر به پرداخت خسارت است نه دیه. ماده ۵۲۷ در مقابل ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون سابق تصویب شده است.

طبق نظریه ۱۳/۹/۱۳۷۸-۶۴۷۶/۷- اداره حقوقی، هر چند نظر کارشناس ذی‌ربط مبنی بر تقصیر راننده تریلر به میزان ۲۰٪ و میزان تقصیر راکب موتور سبکت که به قتل رسیده ۸٪ است لیکن با توجه به مقررات باب ششم ق.م.ا. راننده تریلر مسئول پرداخت نصف دیه کامله است نه ۲۰٪ از نصف دیه کامله. ماده ۵۲۸ در مقابل ماده ۳۳۶ قانون سابق تصویب شده است.

در قانون سابق تقسیم مسئولیت‌ها بین مرتکبین از عبارت «در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند» استفاده شده بود که در قانون جدید قسمت دوم این عبارت مبنی بر «عدم وجود تقصیر هیچ یک از برخوردکنندگان» حذف گردیده است لیکن مفهوم موضوع سلب نگردیده و با ذکر عبارت کلی «در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده» عدم تقصیر برخوردکنندگان نیز موجب انتساب نصف خسارت هریک به طرف مقابل گردیده است.

استثناء: حکم ماده فوق شامل وقوع خسارت به دلیل عوامل قهری نگردیده و در این خصوص طبق ماده ۵۳۰ عمل می‌شود.

ب اساس نظریه ۷/۱۵۱۱-۱۳۷۳/۴/۱۳- اداره حقوقی، هرگاه تصادف وسیله نقلیه موتوری منتهی به ایراد خسارت همراه با ارتکاب جرم یا تخلف از مقررات رانندگی باشد مورد به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم یا امر خلافی توأم رسیدگی می‌شود اما اگر همراه با ارتکاب جرم و خلاف نبوده و فقط ایراد خسارت مادی باشد چون در ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی (سابق) فقط پرداخت خسارت عنوان شده نه پرداخت دیه، بنابراین فاقد جنبه جزایی است و درج این ماده در قانون دیات موجب نمی‌شود که مقررات آن جنبه کیفری داشته باشد بنابراین رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی بوده و از صلاحیت دادگاه کیفری خارج است.

همچنین براساس نظریه ۷/۱۳۵۲ مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۱ اداره حقوقی، چنانچه در جریان تصادف وسایط نقلیه خسارت مالی به یکی یا هر دو وسیله وارد آید و هیچ‌گونه خسارت جانی و صدمه بدنی به اشخاص وارد نشود ماده ۳۳۶ ق.م.ا. (سابق) تعیین تکلیف نموده و مطابق مقررات ماده مذکور عمل می‌شود. فوت کسی که دیه بر عهده اوست، مانع از آن نخواهد بود که علیه ورثه او در دادگاه صالحیت‌دار اقامه دعوی شود، موافق رای وحدت رویه شماره ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ با عدم امکان تعقیب کیفری راننده متوفی مطالبه دیه در دادگاه عمومی قابل رسیدگی است، دریافت وجه از شرکت بیمه توسط اولیای دم به معنای رضایت به اخذ قیمت دیه است و محکوم له برای دریافت الباقی آن تا مبلغ دیه می‌تواند به محکوم علیه مراجعه نماید مگر آنکه هرگونه ادعایی را نسبت به زائد اسقاط کرده باشد.

در مواردی که ورثه تمکن مالی برای پرداخت دیه نداشته باشد مادیتین ۳۱۲ و ۳۱۳ ق.م.ا. (سابق) تعیین تکلیف کرده است.

ماده ۵۳۰ را می‌توان به نوعی هم ردیف با تبصره ماده ۳۳۷ قانون سابق قرار داد.

ماده ۳۶۵ قانون سابق عنوان می‌داشت: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

نحوه شرکت در ماده ۵۳۳ شرکت به نحو عرضی است نه طولی.

درحالی اجتماع اسباب به نحو عرضی تشخیص اسباب مسئول امر مشکلی نیست، زیرا حادثه قابل انتساب به مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ مترادف با ماده ۳۶۴ قانون سابق تصویب شده است.

تعیین سبب در اجتماع اسباب به نحو طولی

این حالت از مشکل‌ترین و بحث‌انگیزترین حالت اجتماع اسباب است که معرکه اراء و اختلاف نظر حقوق‌دانان و فقها می‌باشد. نظریه مشهوری که در فقه برای اسباب طولی وجود دارد «سبب مقدم در تاثیر» می‌باشد به شرح آن می‌پردازیم: مشهورترین نظریه درباره تعیین سبب مسئول در اسباب طولی سبب مقدم در تاثیر است. منظور از سبب مقدم در تاثیر سببی است که اولاً اثر را در ایجاد حادثه زیان‌بار دارا باشد، به‌طور مثال اگر کسی سنگی را در معبر عمومی بگذارد و دیگری در کنار آن چاه حفر کند و عابر در اثر برخورد با سنگ به درون چاه بیافتد، براساس این نظریه، مسئولیت متوجه شخصی است که سنگ را گذاشته است. در این نظریه به زمان ایجاد سبب توجه نمی‌گردد، و در صورتی هم که سنگ را بعد از حفر چاه گذاشته، ولی در هر صورت عابر به‌خاطر برخورد با سنگ به درون چاه افتاده است باز هم گذارنده سنگ ضامن است، زیرا حادثه زیان‌بار با برخورد عابر با سنگ آغاز می‌شود. نظریه سبب مقدم در تاثیر نظریه مشهور فقها است و برای اثبات و تایید دیدگاه خود به اموری استدلال کرده‌اند: عده‌ای از فقها سبب مقدم در تاثیر را به مباشر قیاس کرده‌اند. این مساله در بدو امر و ظاهر کلام فقها برداشت می‌شود و به همین خاطر بعضی از حقوق‌دانان به فقها اشکال نموده‌اند، که قیاس سبب مقدم در تاثیر با مباشر تلف درست نیست. زیرا فرض این است که این سبب نیز تنها زمینه ورود ضرر را فراهم می‌آورد و رابطه مستقیم با اضرار ندارد. اما به نظر می‌رسد فقیهان در صدد اثبات حکم از طریق قیاس نیستند بلکه سخن آن‌ها درباره رابطه سببیت است، یعنی همان‌طور که در مباشرت رابطه سببیت میان ضرر و فعل مباشر وجود داشته و عرف زیان را به مباشر نسبت می‌دهد. در موارد اسباب طولی هم عرف زیان را به مباشر نسبت می‌دهد. گروه دیگری از فقهاء سبب مقدم در تاثیر را به خاطر قاعده استصحاب مقدم شده است، سببی است که در نتیجه اثر اول استصحاب شده و بر سبب دوم که مانند شرط برای مباشرت است رجحان داده می‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تبع قول مشهور فقها در فقه در ماده ۳۶۴ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۳۵ سبب مقدم در تاثیر را ضامن می‌داند، البته در صورتی که هر دو سبب عدوانی باشند. در قانون جدید از عنوان «سبب عدوانی» استفاده نشده است. ماده ۵۳۵ عبارت «انجام عمل غیرمجاز» را جایگزین عنوان «عدواناً» مذکور در ماده ۳۶۴ قانون سابق نموده است تا به نوعی در جهت رفع ابهام قانون سابق برآید. طبق نظریه ۱۳۷۳/۷/۱۶-۷/۳۶۳۹-اداره حقوقی، کسی که حادثه مستند به فعل او بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا تخلف از مقررات و نظامات دولتی است، ضامن پرداخت دیه می‌باشد (نجفی ۱۳۷۳، ۲۲).

ویژگی‌ها و تفاوت‌های قانون مجازات اسلامی سابق و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲

از نظر زیر بنای فکری

(۱) از نظر زیر بنای فکری هیچ‌گونه تغییری در قانون جدید نسبت به قانون قدیم ملاحظه نمی‌شود و از این فقهی حاکم بر موضوع ثابت باقی‌مانده است. (۲) در بحث سبب قانونگذار سابق و فعلی به تبع فقه اسلامی مسببی را مسئول می‌دانند که فعل او غیر مجاز، عدوانی و حاصل تصور و تقصیر باشد و عوامل و اسباب متعارف، مباح و جایز ولو خسارت بار باشد معاف از جبران خسارت هستند به عنوان مثال حفر چاه در ملک شخصی خود یا توقف در مکان مجاز مطابق مواد ۵۰۸ و ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی ولو اینکه سبب

تلف و خسارت شود مسئولیت بار و ضمان آور نیست. ۳) همچنین ضوابط مربوط به فعالیت از جبران خسارت ولو اینکه عمل زیان‌بار حاصل تقصیر مرتکب باشد. در قانون جدید تغییری نسب به قانون سابق نکرده است. به عنوان مثال قاعده اقدام و قاعده احسان که در موارد، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰ و تبصره ۱ ماده ۵۱۴ قانون جدید و مواد، ۳۴۶، ۳۴۱، ۳۴۳ قانون سابق با آن‌ها اشاره شده است. حکایت از آن دارد که اقدام و احسان بر قواعد تسبیب حکومت دارد. به عبارت دیگر اگر زیان دیده خود تعمداً، خودش را در چاهی که دیگری حفر کرده بیندازد یا شخص برای مصلحت عابرین سنگی را که در جاده است بردارد و در محل دیگری قرار دهد و در محل جدید باعث خسارت شود ضامن نیست.

از نظر عرفی کردن مسئولیت و جزایی ناشی از تسبیب قانون

مجازات سابق عمدتاً از موازین ذهنی و انتزاعی و مثال‌های فرضی تبعیت می‌کرد لیکن قانون مجازات اسلامی جدید تحت تاثیر دکتربین‌های حقوقی بالا نظریه‌های آقای دکتر کاتوزیان و همچنین تجارب فضایی رویکردی مثبت به سمت عرض کردن مسئولیت داشته است به عنوان مثال سد معبر اگرچه مطابق قوانین شهرداریها خلاف محسوب می‌شود خواه راه عبور برای عابرین باشد و خواه نباشد ولی از دیدگاه مسئولیت جزایی مطابق ماده ۵۱۵ قانون مجازات جدید هرگاه قرار دادن اجناس در خارج از مغازه عرف و عادت شده و متعارف باشد ولو اینکه باعث خسارت بشود قرار دهنده آن ضامن نیست.

عرفی کردن مسئولیت مدنی یک تحول مثبت و ارزشمند در قانون جدید محسوب می‌شود و می‌تواند به عنوان یک قاعده و معیار بر تمامی مواد مربوط به تسبیب حاکم باشد. البته متعارف بودن عمل در قانون مجازات سابق نیز از موجبات معافیت از مسئولیت بوده است (ماده ۳۵۴ قانون مجازات سابق که در ماده ۵۲۱ قانون جدید عیناً تکرار شده است) ولی خصوصیت ماده ۵۱۵ در این است که اگر عمل مرتکب مطابق عرف محل متعارف باشد ولی به کار او ضمان و مسئولیت نمی‌شود و در نتیجه یک عمل در دو عرف مختلف ممکن است یکی و منتج به مسئولیت و دیگری منتهی به عدم مسئولیت در نظر کافی شود.

عرض کردن مسئولیت و خروج از قالب‌های کلیشه‌ای سابق یکی از ویژگی‌های مهم قانون جدید است، درباره ۳۶۳ قانون سابق در اجتماع سبب و مباشر اصل بر ضمانت و مسئولیت مباشر قرار می‌داد مگر اینکه سبب اقوامی از مباشر باشد ولی قانون جدید در ماده ۵۲۶ قابلیت انتساب به عرفی عمل رضایت را مشروط می‌داند و فرقی از این حیث بین مباشر و سبب تأمل نشده است و اگر عمل مستند به فعل همه یا برخی باشد به نسبت درجه تاثیر شان در حادثه و خسارت مسئول هستند که این امر منصفانه، منطقی و عرف پسند است.

از نظر تکمیل و اصلاح قانون

قانون مجازات اسلامی جدید در مقام اصلاح و تکمیل قانون اساسی به نکات مهم و کاربردی خاصی اشاره کرده است که شاید رو به قضایی از آن غافل مانده یا قضات‌ها احکام قانون سابق را بر چنین مصادیقی صادق نمی‌دانستند. به عنوان مثال قانونگذار جدید در تبصره ۲ ماده ۵۱۴ دستگاه‌های عمومی و دولتی یا غیردولتی که مسئول اصلاح و رفع برخی از موانع یا عوامل طبیعی یا غیرطبیعی که می‌توانند سبب حادثه شوند هستند را از نظر تصور در انجام وظیفه مسئول دانسته است و این امر از حیث سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرم و زمان موثر است. ولی اعمال این تبصره نباید محدود و منحصر به حوادث طبیعی و قهری مذکور در متن ماده باشد فی‌المثل اگر نقص فنی یک بخش از جاده مداوم و مکرر باعث تصادف یا واژگونی خودروها شود و اداره راه یا شهرداری به عنوان متوالی راه‌های برون و درون شهری درصدد رفع مشکل و مانع فنی، بر نیابند مسئول محسوب می‌شوند (در اینجا اصلاح شده در تطبیق با ماده سابق).

همچنین در تبصره ذیل ماده ۵۱۷ قانون جدید به مسئولیت مالک یا مهندسان طراح و سازنده ساختمان اشاره شده است که گامی ارزشمند در جهت تکمیل قانون در این حوزه به شمار می‌رود.

از نظر ایرادات و اشکالات قانونی

موضوع تعدد اسباب یکی از مهم‌ترین بحث‌های این حوزه محسوب می‌شود، ماده ۳۶۴ قانون مجازات سابق در تعدد اسباب سبب مقدم در تاجر را ضامن می‌داند و با آوردن مثال حفر چاه و قرار دادن سنگ، گذارنده سنگ را مسئول می‌شناسد. مواد ۵۳۵ قانون جدید نیز قرار دادن با اضافه کردن یک قید، (طولی بودن اسباب متعدد) و ذکر مثال سنگ و چاه به همان راه رفته است در حالی که به نظر می‌رسد قانون جدید در این بخش بر ابهامات افزوده است زیرا اولاً: تشخیص اینکه اسباب در طول همدیگر هستند یا در عرض هم بسیار مشکل است و این بحث نظری گاهی به اختلاف و مشاجره بی‌نتیجه می‌انجامد و به‌طور قطع نمی‌توان گفت اسباب طولی هستند یا عرضی. ثانیاً: در قانون مسئولیت و ضمان، سبب مقدم در تاجر را به سبب‌های طولی منحصر کرده است و در مورد اسباب عرضی (سبب‌هایی که عرض هم عمل می‌کنند با خلأ قانون مواجه هستیم مگر اینکه بگوئیم ماده ۵۲۶ که در مورد اجتماع سبب و مباشر است در مورد تعدد اسباب هم جاری است). ثالثاً: در مسائل پیچیده امروزی مثال‌هایی مثل سنگ و چاه کارآمد نیست فرض کنید برای کارهای تعمیراتی بر روی دکل برق فشار قوی مسئولین قسمت، ناحیه و منطقه باید طبق مقررات شغلی برق را قطع کنند ولی هر یک به امید اینکه دیگری انجام وظیفه می‌کند این برق را قطع کرده‌اند و تعمیر کار دچار برق گرفتگی می‌شود در این فرض آیا به اعتبار نزدیکی و دوری مسببین به حادثه می‌توان اسباب را طولی دانست یا اینکه به اعتبار وظیفه یکسان قانونی یا آئین نامه‌ای هر سه شخص در قطع برق، این اسباب در عرض هم مسبب خسارت هستند. بنابراین ضابطه مسئولیت سبب مقدم از تاثیر مقرر در ماده ۵۳۵ در بحث تعدد اسباب ناکارآمد به نظر می‌رسد و پیشنهاد می‌شود به جای آن ضابطه مقرر در ماده ۵۲۶ یعنی قابلیت اسناد (یعنی نسبت دادن امری به دیگری) و انتساب عمل مالک مسئولیت قرار گیرد و سبب یا اسبابی که عرفاً موجب خسارت شده‌اند به نسبت درجه تاثیر مسئول شناخته شوند.

نتیجه گیری

با مذاقه در قانون مجازات جدید، در می‌یابیم که رابطه سببیت با منطبق ریزتر و صریح‌تر به موضوع ارتباط بین رفتار مجرمانه و نتیجه اشاره شده است و سابقاً با این صراحت به این موضوع اشاره نشده بود. به عنوان نمونه، تبصره ماده ۱۴ از قانون جدید یک نوآوری در زمینه رابطه سببیت بین رفتار شخص حقوقی با نتیجه و صدمه وارده می‌باشد که می‌تواند به عنوان الگویی در حل اختلافات ناشی از دعاوی مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گیرد.

اکثر مؤلفان بر این باورند که قانونگذار باید به صراحت معیارها را ارائه تا قاضی دادگاه با تطبیق حقایق و وقایع با آن معیار، رابطه استناد را احراز نماید و سپس شخص را مسئول حادثه معرفی نماید اما به دلیل برخی موارد از جمله ازدیاد قوانین که در نوع خود بیشتر باعث ازدیاد منابع خواهد شد و یا علم اجمالی قانونگذار، در همین حد اکتفا شده است ولی به نظر می‌رسد علاوه بر این لازم است رویه قضائی با بهره‌گیری از منابع مختلف به ویژه آراء فقهی، شرایط و واقعیات هر پرونده را مدنظر قرار داده و با در نظر گرفتن عرف، رابطه سببیت را تبیین نماید.

-تکامل تقنینی در خصوص رابطه سببیت با توجه به قانون مجازات اسلامی جدید نسبت به قوانین مسئولیت مدنی و حتی قانون مجازات سابق بهتر بوده و پیچیدگی‌های این رابطه را کاسته است اما آنچه که فارغ از ماد قانونی دارای اهمیت می‌باشد و خواه ناخواه در تحلیل مواد و یا حتی تغییر آن نقش مؤثری ایفاء می‌نماید، تفکیک نظری مسئولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم کنندگان مقررات مسئولیت مدنی باید با در نظر قرار دادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی تبیین نمایند حال باید توجه نمود که بر اساس اصل تفکیک قوا، مسئولیت مدنی ناشی از وضع قوانین و مقررات به صلاحیت دادرس در ارزیابی قوانین و دخالت قوه قضائیه در قانونگذاری منجر شده با اصل پذیرفته شده تفکیک قوا ناسازگار است که به نظر می‌رسد تنها زمانی می‌توان جبران زیان را پیش کشید که خود قانونگذار این امر را در قانون پیش بینی کرده باشد و این مهم می‌تواند در رابطه با مسوولیت مدنی و جبران خسارت زیان دیده تاثیر منفی گذاشته و نظم عمومی را دچار مشکل نماید. از این رو تنها مرجع صالح برای جبران زیان به منظور جلوگیری از تداخل قوا کرسی یا اراده خود مجلس دانسته اند، اصل تفکیک قوا از دو بعد، مانع مسئولیت مدنی است یکی از بعد تسری صلاحیت دادرسان و دیگری تسری صلاحیت دادگاه‌ها. در نظام حقوقی ما چون قانون اساسی با حکم صریح برای مقررات دیگر غیر از قانون اساسی و عادی تکلیف را روشن نموده به نحوی

که یک مرجع عالی اداری غیر دادگستری به نام دیوان عدالت اداری را برای ابطال آیین نامه‌ها، مصوبات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های خلاف قانون اساسی و عادی در خود قوه قضاییه پیش بینی کرده است (اصل ۱۷۳ق.و) و بر اساس ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، پذیرش صلاحیت ذاتی محاکم دادگستری (حاکمیت قضایی در این دعاوی بسیار دشوارتر شده است؛ با وجود این تفصیل، به نظر می‌رسد نمی‌توان با اصول کلی مزبور و بدون منع و رد صریح مقنن مانع صلاحیت عام دادگاهها در رسیدگی دادرسی مدنی شد.

به نظر می‌رسد؛ اگرچه در ایران رسماً نظریه سبب مقدم در تأثیر پذیرفته شده، ولی رویه قضایی به نظریه نسبیت تقصیر عمل می‌کند. همان‌طور که در بررسی برخی مواد از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره گردید، تغییراتی مؤثر در پاره‌ای از مواد این باب از قانون در جهت رفع اختلاف نظرهای حقوقی اعمال گردیده است. از جمله محدود کردن دایره شمول نظریه سبب مقدم در تأثیر که از جهات مختلف قابل تأمل می‌نمود. در توجیه و تبیین این نظر گفته شده است که چون سبب، مقدم، زودتر تأثیر کرده به همین دلیل ضامن است و تأثیر سببهای دیگر به تبع تأثیر سبب مقدم بوده است؛ بنابراین سبب مقدم سبب الاسباب و علت العلل خسارت است. دلیل دیگر در تبیین این نظریه اصل استصحاب است یعنی با تأثیر سبب، مقدم ضامن بر عهده سبب مقدم قرار گرفته است؛ ضامن بر عهده کسی است که جنایت با آن سبب زودتر انجام شده است و این جنایت مقتضی ضامن آن سبب است پس حکم اثر سبب اول استصحاب میشود و بواسطه، استصحاب ضامن سبب اول نسبت به سبب دوم می‌شود و سبب دوم به نسبت سبب اول مانند شرط برای مباشر است.

به نظر می‌رسد؛ در شرایطی که کسی توانایی انجام وظیفه و فعل خاصی را به موجب قانون یا قرارداد برعهده گرفته باشد اما به این وظیفه و تعهد خود عمل نکرده و آن را ترک کند و در اثر این ترک وظیفه و عدم انجام تعهد، صدمه و خسارتی به وجود آید، نتایج به بار آمده مستند به رفتار تارک فعل بوده و ترک فعل وی در چنین شرایطی توانایی ایجاد صدمه را دارد. اما هرگاه رفتار مجرمانه به صورت ترک فعل صرف و ساده باشد، فاقد نیروی علی و توانایی برای ایجاد صدمه است.

منابع

- [۱] جانستون، دیوید (۱۳۹۳) فلسفه حقوق مفهوم عدالت در گستره تاریخی مترجم: علیرضا میرزایی، انتشارات راه نوین، تهران
- [۲] صفایی سید حسین و رحیمی حبیبیا (۱۳۹۲) مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد) چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- [۳] صفایی، سید حسین و رحیمی حبیبیاک (۱۳۹۷) مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ اول، تهران انتشارات شهر دانش
- [۴] جعفری لنگرودی محمد جعفر (۱۳۹۶) رنسانس فلسفه فلسفه وجود اعتباری ابنیاد عقد شناسی و قواعد عمومی قراردادها ج ۴، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش
- [۵] قاسم زاده سید مرتضی (۱۳۹۵)، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ دهم ویراست تهران، نشر میزان
- [۶] جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۸) دروس حقوق سیاسی حقوق تطبیقی - تاریخ حقوق سیاسی چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش
- [۷] کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷) الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت های خاص و مختلط، ج ۲ چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- [۸] حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل الشریعه، با تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت، دار حیاء التراث العربی
- [۹] کریمی عباس امین علیرضا و شیروانی خدیجه (۱۳۹۶)، نظریه عمومی عدالت در علم حقوق، چاپ اول تهران انتشارات دادگستر با همکاری انتشارات دکتر عباس کریمی
- [۱۰] آخوندی محمود بی ناد آیین دادرسی کیفری جلد پنجم، انتشارات مجار چاپ بران
- [۱۱] العامه للموجبات والعقود القوانین فقه اسلامی در التزامات و عقود با مقایسه با قوانین جدید)، مترجم: جمال الدین جمالی (محلای)، ج ۱ چاپ موسوی، تهران
- [۱۲] سید مصطفی محقق داماد ۱۴۰۰. قواعد فقه چهار، بخش جزایی، ویرایش پنجم. چاپ پنجاه و هشتم.
- [۱۳] اچ.ال.ای هارت و تونی هونوره ۱۴۰۰. با همکاری علی صابری تولایی و حبیب امامی ارنندی. سببیت در حقوق (حقوق کیفری). چاپ سوم،
- [۱۴] اسلام نژاد، علت ۱۳۹۰ پیران جنایت های روحی، تهران، دانشگاه پیام بود.
- [۱۵] پیشینه رویه قضایی در ایران در ارتباط با قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۶)، به کوشش افشین عبداللهی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه ج ۴، چاپ اول تهران مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه
- [۱۶] دکتر احمد حاجی ده آبادی ۱۴۰۱. قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات) چاپ ششم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۳۸۷.
- [۱۷] اقتصادی صور اسرافیل» (۱۳۹۶)، نشریه حقوقی، سال سوم، شماره ۸۶
- [۱۸] آیین علیرضا (۱۳۹۸) درآمدی بر روش شناسی حقوقی دکتر جعفری لنگرودی: مندرج در مجموعه مقالات همایش تجلیل از مقام علمی استاد جعفری لنگرودی، چاپ اول، تهران انتشارات گنج دانش
- [۱۹] یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵) حقوق مدنی حقوق تعهدات قواعد عمومی مسئولیت مدنی (با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- [۲۰] ویتیرت ارنست حی شکل گرایی حقوقی مندرج در کتاب راهنمای بلک ول برای فلسفه حقوق مقاله هشتم مکاتب معاصر فلسفه حقوق گردآورنده دلپس پیرس مترجم عبداللهی، سید محمد علی (۱۳۹۵) با ویراستاری محمد مهدی دو انقدری، چاپ اول، تهران انتشارات ترجمان علوم انسانی